

راهکارهای تحقق تقریب با رویکرد مقاصدی



به گزارش روابط عمومی مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی، پنجاه و سومین نشست از نشست‌های علمی پژوهشگاه مطالعات تقریبی با حضور و ارائه حجت‌الاسلام والمسلمین احمد مبلغی با موضوع «راهکارهای تحقق تقریب با رویکرد مقاصدی» در ۲۷/۹/۱۴۰۱ با حضور ریاست محترم و پژوهشگران ارجمند پژوهشگاه به صورت حضوری و نیز با حضور مجازی فعالین و علاقه‌مندان بحث وحدت و تقریب برگزار گردید. دبیر علمی این نشست استاد بزرگوار جناب حجت‌الاسلام والمسلمین آقای محسن مدنی نژاد دام‌طله بودند.

حجت‌الاسلام والمسلمین احمد مبلغی ابتدا گفتند که اولاً موضوعات تقریبی جهت پژوهش یا اصلاً به آن‌ها توجه نشده است و یا توجه شده است؛ ولی بحث جدی و مکفی ای درباره‌شان نشده است.

دکتر مبلغی درباره اهمیت پژوهش باید خاطرنشان کرد که اولاً باید به دیدگاه شفافی در موضوع مورد مطالعه برسیم ثانیاً این دیدگاه را بتوانیم به بهترین وجه به جامعه منتقل کنیم.

اما دلایل نیاز تقریب به پژوهش عبارت‌اند از:

مناسبات و روابط اجتماعی مطابق با سنن الهی است و این سنن اجتماعی الهی دارای پیچیدگی‌های فراوان است؛ إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرَ رُؤُوسَهُمْ (رعد، ۱۱) باید بدانیم که این پیچیدگی هم به این سبب است که تقریباً مربوط به مناسبات اجتماعی محدود نیست؛ بلکه بین شیعه و سنی و چندین کشور با فرهنگ‌ها و آداب و زبان‌های مختلف است پس این مهم نیازمند پژوهش و تلاش مضاعف است. تقریباً مسبوق به یک سابقه و تاریخ پر اختلاف بوده است؛ یعنی الدعاه الى التفرقه كانوا اكثر من الدعاه الى الوحدة وكذلك الاسباب والعرضيات ... مضافاً بر اینکه تاریخ در یک مرحله هم نمی‌ماند؛ بلکه با آمدن لایه‌هایی از تعصب پیچیده‌تر می‌شود به نحوی که آیات را به دلخواه و به صورت تفرقه‌انگیز تفسیر می‌کنند. ما با هویت‌هایی به شرط لا زندگی می‌کنیم؛ یعنی هویت‌هایی که وجود خود را در نبودن هویت‌های دیگر تفسیر می‌کنیم؛ یعنی نری حیاتنا فی نفی الغیر که باید این را تبدیل کنیم به شرط شیء و آن شیء هم امت است؛ یعنی شیعه و یا سنی بودن وقتی معنا و وجود دارد که امت اسلامی باشد و امت هم یک مفهوم وسیع دارد و الزامات و شروط خاص خودش را می‌طلبد که در قرآن هم هست که اینها همه پژوهش می‌خواهد. تعامل و تفاعل با تقریباً با بساطت نیست؛ بلکه نیازمند وقت‌گذاری و پژوهش کردن و ... است و حتی نیازمند پژوهشگرانی از تخصص‌های مختلف است. ولی متأسفانه حجم این پژوهش‌ها کم است. باید اولاً دوباره کاری و تکرار در پژوهش‌ها نباشد و ثانیاً موضوعات اولویت‌دار برای پژوهش مشخص شود که خود مستلزم یک پژوهش مستوفی در این زمینه است. ما یک سری موضوعات اساسی و مهم را مورد غفلت قرار داده و ترکشان کرده‌ایم که باید با پژوهش‌هایی این موضوعات مهم استخراج کامل شوند.

ایشان با ذکر روایت روایتی از امام کاظم (ع) که فرمودند: الإمامُ الكاظمُ علیه السلام: جميعُ
 الأمورِ الأديانِ أربعةٌ :

أمرٌ لا اختلافَ فيه، و هو إجماعُ الأُمَّةِ على الضَّرورةِ التي يُضطرُّونَ إليها، و الأخبارُ
 المُجمَعُ عَلَيْها و هي الغايَةُ المَعْرُوضُ عَلَيْها كُلُّ شُبْهَةٍ و المُستَنبَطُ مِنْهَا كُلُّ
 حادثَةٍ و هو إجماعُ الأُمَّةِ ،

و أمرٌ يَحْتَمِلُ الشُّكَّ و الإنكارَ، فسَبِيلُهُ استيضاحُ أهْلِهِ لِمُنْتَهِلِهِ بِحُجَّةٍ مِنْ كِتَابِ
 اللَّهِ مُجْمَعٍ عَلَى تَأْوِيلِهَا ،

و سنّةٍ مُجمَعٍ عليها لا اختلافَ فيها ،

أو قياسٍ تَعْرِفُ العُقُولُ عَدْلَهُ و لا يَسَعُ خاصّةً الاُمّةَ و عامّتها الشكُّ فيه و الإنكارُ لَهْ

و هذانِ الأمرانِ مِنَ أمرِ التوحيدِ فما دُونَهُ و أَرشِ الخَدشِ فمّا فَوَقَهُ : فهذا المَعروضُ الذي يُعرَضُ عَلَيْهِ أمرُ الدِّينِ فما ثَبِتَ لَكَ بِرُهانِهِ اصطَفِيَتَهُ و ما غَمَضَ عَلَيْكَ صَوَابُهُ نَفَيْتَهُ ، فَمَنْ أوردَ واحدةً مِنْ هذهِ الثلاثِ فهي الحُجّةُ البالِغةُ الَّتِي بَيَّنَّهَا اللَّهُ في قولِهِ لِنَبِيِّهِ : «قُلْ فَلِلَّهِ الحُجّةُ البالِغةُ فَلَا وِشَاءَ لَهْدَاكُم أَجمَعينَ» . [الأنعام : ١٤٩] . يَبْلُغُ الحُجّةُ البالِغةُ الجاهِلَ فَيَعْلَمُها بِجَهْلِهِ كما يَعْلَمُها العالِمُ بِعِلْمِهِ ، لأنَّ اللَّهَ عَدْلٌ لا يَجورُ ، يَحْتَجُّ على خَلْفِهِ بِما يَعْلَمونَ و يَدْعوهُم إلى ما يَعرِفونَ لا إلى ما يَجهَلونَ و يُنكَرونَ . [تحف العقول : ٤٠٧]

امام کاظم علیه السلام: همه امور اديان (مسائل مربوط به دين) چهار نوع است:

[اول] امری که در آن هیچ اختلافی نیست، و آن اجماع همه امت است بر ضروریاتی که به ناچار آن را پذیرفته اند؛

[دوم] اخباری که مورد اجماع هستند و مرجعی که هر شبهه ای را باید بر آنها عرضه کرد و حکم هر حادثه ای را از آنها بیرون کشید و مورد اجماع امت می باشند؛

[سوم] اموری که شک و انکار پذیرند و در آنها باید از اهلش توضیح خواست و هر که در این امور اظهار نظر کند، باید دلیلی از کتاب خدا، که تأویل (تفسیر) آن مورد اتفاق باشد، و سنّتی که مورد اجماع است و اختلافی در آن نیست بیاورد؛

[چهارم] یا قیاسی (قانونی) که عقلها حقیقت آن را بشناسند و خاصّ و عامّ امت نتوانند در آن تردید و انکار روا دارند.

این دو امر شامل مسئله توحید و پایینتر از آن و دیه خراش و بالاتر از آن می گردد پس آنچه از مسائل دین پیش آید، اگر برهان ثابتی داشت بپذیر، و اگر حقیقت و درستی آن بر تو مبهم و پوشیده بود

آن را نپذیر؛ پس، هر که یکی از این سه امر (مستنبط از کتاب خدا و سند متواتر و قیاس عقلی و برهانی) را [برای اثبات مطلبی دینی] آورد، آن همان حجّت رسایی است که خداوند در این آیه برای پیامبرش توضیح داده است: «بگو: حجّت رسا از آن خداست، پس اگر او بخواهد، همه شما را هدایت می‌کند». این حجّت رسا به جاهل می‌رسد و جاهل، با وجود جهل خود آن را می‌فهمد، همچنان که عالم نیز آن را با دانش خود می‌فهمد؛ زیرا خداوند عادل است و ستم روا نمی‌دارد، و بر خلق خویش با آنچه می‌دانند حجّت می‌آورد و با آنچه می‌فهمند و می‌شناسند دعوت می‌کند، نه با چیزهایی که نمی‌دانند و نمی‌شناسند.}

دکتر مبلغی گفتند با التفات به این روایت شبهات و حوادث جامعه بر آن اشتراکات و مجمع علیها عرضه می‌گردد تا مسلمانان با آنها این شبهات و حوادث و نوازل را حل کنند و مبنای استنباط است و از حالت پشت ویتربین بودن صرف خارج شده و منشأ اثر فعلی و واقعی در جامعه خواهد شد. باید بسنجیم که این اخبار مشترک تا چه حد برد دارد.

موضوع بعدی این است که ما دو اندیشه داریم یکی تقریب نسقی و دومی تقریب تجزیه‌ای است. مراد از تقریب نسقی یعنی تقریب منظومه‌ای در مقابل تقریب تجزیه‌ای و جزیره‌ای. در واقع اگر تقریب ما منظومه‌ای نباشد فایده‌ای ندارد.

ایشان ادامه داد تقریب باید در لایه‌های زندگی انجام شود تا به نتیجه برسد و باید در حوزه‌های مختلف فعال شود و در میدان و ساحت عمل بیاید. تقریب امری است اجتماعی که هویت ملت و امور مهم با آن مرتبط است. پای علم‌الاجتماع را در آن باید پیش کشید و تقریب باید طبق معیارهای دقیق اجتماعی باشد.

دکتر مبلغی ادامه دادند که موضوع مهم دیگر هم تقارب بین انظمه سیاسی فضلا عن العلمائی باشند، گرچه من خودم قائل به تقریب سیاسی هستم و اگر تقریب سیاسی نباشد، ضررش به امت می‌رسد و موضوع دیگر هم بحث کلام التقرب است و با تقریب در کلام فرق دارد؛ یعنی خود تقریب پیوست کلام است. شهید مطهری مبحث انسان‌شناختی را وارد کلام کرد، بلکه تقریب هم باید وارد علم کلام شود؛ زیرا موضوع کلام فعلی است و امت هم جعل خدا است علاوه بر این هم چند امتی شدن و هم امت اسلامی شدن جعل خدا است.

این امت از طریق شریعت، جعل خداست و این جعل هم جعلی تشریعی نیست؛ بلکه تکوینی است و محتوایش را نمی‌گوییم؛ بلکه جعل افعالی است.

ایشان در پایان گفتند که ما متأسفانه حساسیتی به تدمیر امت نداریم درحالی‌که باید مانع این کار شویم در مجموع انتظار می‌رود تحقیقی نسبت به موضوعات موردنیاز پژوهش در عرصه تقریب با رعایت مسائلی که تذکر دادیم صورت پذیرد.